هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

د یو بل زغمل
د ملت جوړوني پېلامه ده
ص۲

ترور انتحاری
ص۳

دولت در آستانهٔ خانه تکانی و جا به جایی جدید
ص۵

حکمت مشروعیت اختلاف در مسائل فقهی
ص۷

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۳۴ | چهار شنبه ۱۲ دلو ۱۳۸۴ | ۳ محرم الحرام ۱۴۲۶ – 1 February 2005

همایش لندن برای بازسازی افغانستان امروز به کار خود پایان می دهد





همایش بین المللی لندن برای بازسازی افغانستان با شرکت بیش از شصت کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران در لندن کار خود را دیروز آغاز کرد.

این همایش که امروز به کار خود پایان خواهد داد و ریاست مشترک آن را افغانستان، انگلستان و سازمان ملل برعهده دارند با شرکت تعدادی از مقامات ارشد کشورمان و نمایندگان کشورهای کمک کننده به بازسازی افغانستان برگزار شد و قرار است دو برنامهٔ توسعهٔ اقتصادی را مورد تأیید قرار دهد و به بررسی کمک های مالی خارجی به اجرای این برنامه ها بپردازد.

یکی از این دو برنامه به زمینه های استقرار امنیت، توسعهٔ اقتصادی، بهبود مدیریت دولتی و پیشبرد حقوق بشر اختصاص دارد و برنامهٔ دیگر چارچوب اقدامات لازم برای مقابله با کشت گستردهٔ تریاک و تجارت مواد مخدر در افغانستان را پیش بینی کرده است.

حامد کرزی، رئیس جمهور کشور، پیش از تدویر این همایش در مصاحبه یی با بی بی سی گفته است از آنجا که بسیاری از مردم برای امرار معاش خود به تولید و تجارت مواد مخدر متکی هستند، ریشه کن کردن کشت خشخاش مستلزم فراهم آوردن امکانات دیگر کسب است که دست کم به ده یا پانزده سال وقت نیاز دارد. ص۷

سرما و برف باری در شمال شرق کشور جان چند نفر را گرفت



مقامات محلی در ولایت بدخشان می گویند سرمای زمستان و برفباری های سنگین، تلفاتی را در این ولایت به بار آورده است.

منشی مجید، والی بدخشان گفت برفباری های پی هم ظرف روزهای گذشته در این ولایت، به مرگ دست کم سه نفر منجر شده است.

در همین حال برخی آژانس های خبررسانی شمار تلفات ناشی از سرما و برف کوچ در ولایت بدخشان را تا ۲۲ نفر گزارش داده اند.

ولایت بدخشان، از دور افتاده ترین ولایات در افغانستان است که برفباری های سنگین در زمستان ها، سبب می شود راه های اصلی مواصلاتی این ولایت با سایر مناطق مسدود شود.

طبق یک خبر دیگر در اثر وقوع برف کوچ دو نفر در ولسوالی پریان ولایت پنجشیر نیز جان باخته اند و سایر مناطق این ولایت نیز از ریزش برف متضرر شده است.

بارش سنگین برف ظرف سه روز گذشته در بیشتر مناطق شمالی افغانستان، مشکلات فراوانی را بار آورده و آن گونه که مردم محل می گویند چنین برفباری دست کم در ده سال گذشته سابقه نداشته است.

در شهر مزار شریف، مرکز ولایت بلخ، ارتفاع برف به بیش از نیم متر رسیده است و در بخش هایی از ولایات فاریاب و جوزجان بیش از یک متر برف، اندازه گیری شده است.

این برفباری سبب شده است راه اصلی شهر مزار شریف تا ولایت فاریاب که از دشت لیلی می گذرد نیز بسته شود.

رسانه های دولتی وچگونگی کیفیت دهی به آنها

ص۲

در هفتهٔ جاری

– مجلس سنا سید مخدوم رهین را غرض استجواب احضار کرد

– اعضای مجلس نمایندگان از طرح ادغام دانشکدهٔ شرعیات در حقوق خشمگین شدند

– نایبان مجلس نمایندگان و مجلس سنا به واشنگتن رفتند

به تاریخ ۸ دلو ماه جاری اعضای مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) خواهان توقف ادغام دانشکدهٔ شرعیات در حقوق و سایر دانشکده های دانشگاه ها در یکدیگر و تنقیص در تشکیلات آنها شدند و از این که چنین طرحی برای مدغم کردن شرعیات در حقوق ریخته شده است خشمگین گردیدند.

همچنان به تاریخ ۹ دلو، فوزیه کوفی نایب دوم مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) و سید حامد گیلانی نایب اول مجلس سنا (مشرانو جرگه) بنا به دعوت رئیس جمهوری امریکا و خانم وی غرض اشتراک در محفل سخنرانی سالانهٔ رئیس جمهور آن کشور به واشنگتن رفتند.

طبق یک خبر دیگر به تاریخ ۹ دلو ماه جاری اعضای مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) فیصله نمودند که دولت های کمک کننده یی که در کنفرانس لندن اشتراک نموده اند باید کمک های خود را به طور مستقیم در اختیار دولت افغانستان قرار دهند اما واضح نساختند که این نمایندگان از چه صلاحیتی دربارهٔ کشورهای خارجی برخوردارند تا فیصلهٔ شان برکشورهای کمک کننده الزام آور و یا حد اقل مؤثر باشد.

گفتنی است که برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی نسبت عدم نظم در مجلس، به روز دوشنبه مجلس را به رسم اعتراض ترک گفتند و مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) به خاطر نبود آجندای مشخص بدون نتیجه پایان یافت.

خبر دیگری حاکی است که روز سه شنبه دکتر مخدوم رهین، وزیر اطلاعات و فرهنگ و نجیب روشن رئیس عمومی رادیو تلویزیون به دلیل ناتوانی ها و قانون شکنی هایی که در نشرات رادیو تلویزیون و دیگر رسانه های دولتی موجود است به مجلس سنا (مشرانو جرگه) فراخوانده شده و مورد استجواب قرار گرفتند.

اطلاعیه

خوانندگان عزیز مطلع باشند

دفتر جریدهٔ مجاهد از حصهٔ دوم کارتهٔ پروان به هتل زنبق طلایی واقع چهار راهی زنبق شهر نو انتقال نموده است.

اداره

آدرس
مجاهد
در اینترنت
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: mujahid1357@yahoo.com

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل– چهار راهی زنبق ـ سابق هتل زنبق طلایی
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahid1357@yahoo.com

د یو بل زغمل

د ملت جوړونې پیلامه ده

عباسی

د دلوی پر یوولسمه په لندن کې د اویا هېوادونو د استازیو په ګډون د افغانستان د سیاسی ثبات، امنیت او اقتصادی ودی او پرمختیا په باب دوه ورځنی نړیوال کنفرانس جوړ شو.

په کنفرانس کی ولسمشر کرزی له لوړ رتبه پلاوي سره ګډون کړی دی.

په هېواد کې د طالبانو له را پرځیدو وروسته د نړیوالو په مرسته او د جمعیت اسلامی افغانستان د مشر استاد ربانی په نوښت د نظام جوړونی پړا د بن د پریکړه لیك له مخی پیل شوی؛ نو د ولسی او مشرانو جرګو په جوړیدو دا عملیه پای ته ورسیده او په افغانستان کې د سیاسی ثبات ادانه ټینګه شوه.

دا چی هیواد له اقتصادی، امنیتی، تعلیمی او... پلوه خورا زیات زیانمن شوی دی، نو د سیاسی ادانی تینګوښت به په نورو اړخونو کې د انکشافی او پراختیایی پلانونو جوړولو او عملی کولو لپاره سریزه وي.

له بلی خوا نړیوالو چې تر دې دمه په هیواد کې د زیاتو مالي او ځاني مرستو په لګولو د سیاسی ثبات بهیر د بریا تر حده رسولی؛ نو د دی لپاره چې کړي زیارونه یې پر سیند لاهو نه شی او هم د نړیوال امنیت د ټینګښت په اړه له افغانستان نه اندیښمن نه وي، یو ځل بیا په لندن کې راټول شول چې د نظام جوړونی د بهیر په وروستی پړاونو کی هم خپل اغیزمنتوب ثابت کړي.

په افغانستان کې د هر اړخیز ثبات او ولسواك نظام جوړونی په اړه د نړیوالو له پاملرنی مننه

خو را به شو خپلو هیوادوالو ته:

د تیرو څلورو کلونو تجربی وښودله لکه څنګه چی ښایی هومره مو له نړیوالو مناسبو شرایطو نه سمه ګټه پورته نه کړه، چې د جګړو ټپونه ملهم کړو او د زړه له کومې د ملت جوړونې بهیرته ور ګډ شو. د ژبی، قوم او سمت پر اساس دریځنیوني، د دی سبب شوی دی، چې په هېوادوالو کې خپلمنځي بی باوری ته لمن ووهل شي. هوښیار افغانستانی هغه دی، چې د تیر تاریخ له پیښونه پند واخلی او د اوسنیو مناسبو شرایطو نه په ګټې اخیستنی د هیواد بیا برم او عظمت لپاره یو بل په ملی هینداره کې وګوری او یوبل وزغمی.

جمعیت اسلامی افغانستان لکه څنګه چی د جهاد، مقاومت او د اوسنی سیاسی بهیر په ثبات کي هیوادوالو ته خان ثابت کړی اوس غواړي، چي تر دې وروسته په ولس کې د هر اړخیزی پخلاینی راوستو او د ملت جوړونی د عملیی په پرمخ وړلو کی ګامو نه واخلی. او له دولت هم غواړی چې له بهرنیو مرستو نه سمه ګټه پورته کړي او په اداری اصلاحاتو کې د تخصص او وړتیا ملحوظات په پام کی ونیسی.

رسانه های دولتی وچگونگی کیفیت دهی به آنها

عبدالله فرزاد

در این نوشتار تماس بیشتر روی کار کردهای کانال های تلویزیونی دولتی وغیردولتی داخل کشور است.پس از فرو پاشی رژیم طالبان که رویکردی افراطی وتفکری جزم اندیش در پیش گرفته بودند ومتون دینی را به گونه یی دیگر تفسیر وتبیین می نمودند تلویزیون ها ورسانه ها بار دیگر فرصت یافتند تا در زندگی مردم جای پایی باز کنند ونقش خودرا در جامعه باز یابند.

مردم نیز پس از تحمل سال ها محرومیت، از آغاز به کار رسانه های دیداری وشنیداری به گرمی بسیار،استقبال کردند واستفاده از تلویزیون به یک فرهنگ جمعی در شهرهای افغانستان مبدل شد.

درآغاز راه،چیزی که زیاد به چشم نمی خورد وظاهرا محور تمرکز هیچ نهاد دولتی وغیر دولتی نبود، دیدگاه نقادانه به برنامه ها وجدول زمانی تلویزیون ها بود. مردم با شوروولع، هرچیزی را که پخش می شد به تماشا می نشستند ،حالتی که پس از مدت زمانی کوتاه از شدت وحدت آن کاسته شد وبازار آن به سردی گرایید، چراکه یکی از دلایل عمدۀ آن عدم همآهنگی تلویزیون ها با واقعیت های عینی جامعه بود.

هنوز هم جای این حرف باقی است که تلویزیون دولتی در رویکرد خود، در بسیاری از موارد با مردم رو راست عمل نکرده وسایۀ پالیسی های خام دولت برسرآن همواره سنگینی نموده محدودیت های خاص خودرا داشته است. دلیل دوم وعمدۀ دیگر هجوم گیرنده های دیجیتالی ودیش آنتن وبه دنبال آن تأسیس شبکه های کیبلی وبعد هم ایجاد سه شبکۀ تلوزیونی غیر دولتی آیینه، طلوع وافغان بود.

تلویزیون های محلی دولتی در ولایات، در اوایل عمدتا زیرتأثیر حاکمیت های محلی خود محور وقت وپس از آن پخش کنندۀ برنامه های تلویزیون کابل به سیستم ریلی وگاه غیر مستقیم بوده اند.

بلافاصله پس از تأسیس کانال های تلویزیونی غیر دولتی، با آن که این شبکه ها به جز اخبار وبرخی گفتگوها برنامه های سازندۀ دیگری برای مردم نداشتند وندارند ولی به آنهم توانستند، با استفاده از امکانات برتر وپخش برنامه های گونه گون ذوقی وتفریحی توجه شماری زیاد از مردمی را که سطحی نگر وعمدتا بی سواد هستند جلب نمایند وچنین کار برای شبکه های دولتی که منجر به از دست دادن بیننده می شود یک فاجعه است .

نگارندۀ این سطور، در مقام قضاوت نیست تا بخواهد کیفیت واقتضای پخش برنامه های تلویزیونی را از دیدگاه اخلاقی، دینی وحتی اجتماعی، سیاسی وعلمی به نقد بکشد، ولی واقعیت غیر قابل انکار این است که تلویزیون های دولتی برای جلب مخاطب بیشتر به شکل تقلیدی وکورکورانه از شبکه های غیر دولتی ودر سطحی بالاتر از چند شبکۀ خارجی مشهور پیروی نموده اند واین روند با عدم برنامه ریزی دقیق وسیستماتیک، وضعیت را بدتر کرده است.برنامه های تلویزیونی، پررنگ تر اما بی خاصیت تر شده اند واین حالت با پخش بی رویۀ نمادهای خشونت وضد اخلاقی که به واقعیت عینی در جامعۀ غرب بدل گشته است بیشتر به ابتذال متمایل وشبیه بوده است تا خلاقیت.

تلویزیون های دولتی برای جلب مخاطب بیشتر به شکل تقلیدی وکورکورانه از شبکه های غیر دولتی ودر سطحی بالاتر از چند شبکۀ خارجی مشهور پیروی نموده اند واین روند با عدم برنامه ریزی دقیق وسیستماتیک، وضعیت را بدتر کرده است

بازار گرم شبکه های بیرونی، تلویزیون های دولتی را وادار نموده تا نیازهای آن عده از کسانی را که از این شبکه ها استفاده می کنند به خوبی تأمین نمایند واین رویکرد اشتباه سبب نادیده گرفتن قشر عظیمی از جامعه گردیده است در بسیاری از ابعاد تلویزیون ها نتوانسته اند فاصلۀ خود با مردم را کم تر کنند وباعث ایجاد صمیمیت شوند.

به صراحت می شود گفت که تلویزیون های دولتی به ویژه تلویزیون مرکزی کشور در بسیاری موارد به بولتن خبری سردمداران تبدیل شده که به خوبی آنها خواسته های خودرا بر مسؤولان مربوط تحمیل نموده وامتیازات رسانه بودن را از تلویزیون، گرفته اند وشاید تمام این ملاحظات

طبیعتا در کشوری که بنیادهای جامعۀ مدنی، هنوز استوار نگردیده وجامعه به شدت خو گرفته با سنت های دیرینۀ خود - که مخلوطی از ارزش ها وخرافات است– می باشد، حرف زدن از مفاهیمی چون دموکراسی وآزادی بیان ویا روش تطبیق آنها، زمان زیادی می طلبد

سبب شده باشد که مجلس بزرگان (مشرانوجرگه) کشور، وزیر اطلاعات وفرهنگ ورئیس عمومی رادیو تلویزیون مرکزی را به هدف استجواب، دیروز احضار نماید واز آنان بپرسد که چرا بااین همه امکانات دولتی نتوانسته اند کیفیت نشرات خودرا ارتقا دهند وچرا درپوشش خبری خود یک جانبه عمل می کنند و به نقض قانون اساسی می پردازند.

به هر حال از سوی دیگر دیده می شود که تلویزیون های غیر دولتی از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده اند وحتی در بسا از موارد قانون اساسی کشور را که بر اسلامی بودن کشور ونظام وحفظ ارزش های دینی واخلاقی تاکید دارد نقض نموده ومی کنند، با آنهم این شبکه ها به رویکردی افراطی ومخرب روی آورده اند که بیشتر سوء استفاده کردن از آزادی بیان در کشور بوده است.

طبیعتا در کشوری که بنیادهای جامعۀ مدنی، هنوز استوار نگردیده وجامعه به شدت خو گرفته با سنت های دیرینۀ خود – که مخلوطی از ارزش ها وخرافات است- می باشد، حرف زدن از مفاهیمی چون دموکراسی وآزادی بیان ویا روش تطبیق آنها، زمان زیادی می طلبد.درغیر آن، مفاهیمی از این دست، در سلاخ خانۀ مسؤولان پارچه پارچه می شوند ودر نتیجه حقیقت در پرتو ابهام می ماند ودر این آشفته بازار، مخاطبی در کار نیست.

یکی دیگر از دلایل شکست تلویزیون های دولتی،نبود شبکه های متعدد برای مخاطبان می باشد، در نتیجه شبکۀ سراسری کابل اگر بتوان نام آن را سراسری گذاشت، اجبارا ونه الزاما با برنامه ریزی عجولانه می خواهد تمام طیف های جامعه را با پخش برنامه های فرهنگی، اجتماعی،دینی،هنری،ورزشی و... مورد خطاب قرار دهد، در حالی که این روند با این ویژگی ها، به هیچ صورت به جایی نمی رسد.

در پایان، راهکارهای زیر، شاید تلویزیون های دولتی ودر کل رسانه های داخل کشور را از این بن بست بیرون کند وبه برنامه های آنها کیفیت بهتری بدهد.

۱- تأسیس شبکه های متعدد وجداگانۀ علمی، هنری، دینی، ورزشی وآموزشی تا بدینوسیله بتوان برهر طیف جامعه به طور مشخص ودقیق تمرکز نمود وآنان را مورد خطاب قرار داد.

۲- برنامه ریزی دقیق ومتناسب با خواسته های دینی، اجتماعی و... مردم وبازتاب مشکلات ودر دهای آنان بدون سانسور غیر موجه.

۳- به کارگیری نیروی متخصص وسرمایه گذاری بیشتر از کمک های خارجی وعواید ملی برای بهتر کردن برنامه های نشراتی واستخدام کادرهای شایسته.

۴- استفاده از تجارب کشور های جهان سوم، در مقابله با تهاجم فرهنگی وتئوریزه کردن این تجارب.

۵- پرهیز از ابتذال گرایی با تفهیم ارزش های اجتماعی واخلاقی بدون تأکید بر تدریس وخوراندن این اندیشه ها به صورت افراط گرایانه به مردم.

۶- افشای کمی ها وکاستی های صریحی که در نظام وجود دارد ومردم آن را به وضوح ملاحظه می کنند.

۷- پخش اخبار وگزارش های خبری بی طرفانه وبیرون کردن دستگاه های نشراتی، از انحصار افراد واشخاص وحلقات معین.

با به کاربستن پیشنهادها وراهکارهای بالا تاحدی می توان برنامه های رسانه های دیداری وشنیداری دولتی را کیفیت بخشید وملی ساخت.

ترور انتحاری

وحید مژده

وقتی سخن از ترور و تروریسم بخصوص در کشور ما به میان می آید، بعضی ها سعی می کنند با دادن چند فحش و دشنام به تروریسم و رابطه دادن آن به این و یا آن کشور خارجی وبه این بهانه بدگویی از مدارس مذهبی، دین خود را به امنیت ملی کشور ادا نمایند. در این رابطه نوعی خود سانسوری وجود دارد که هرکسی به خاطر حساس بودن این مسأله و ترس از این که مبادا مهر و برچسب جانبداری از تروریسم بروی بزنند، فقط با گفتن جملاتی تکراری که از فرط تکرار رنگ و روی آن رفته و بوی کهنگی گرفته است، اکتفا می کند. بعضی ها که عادت دارند مسائل پیچیده را ساده بسازند، تروریست های انتحاری را معتادان مواد مخدر قلمداد می کنند. گروهی آنها را اشخاص فریب خورده و بی خبر از همه جا می دانند. در این عرصه جای یک تحلیل علمی در کشور ما تاکنون خالی بوده است.

شکی نیست که تروریسم یک بیماری اجتماعی است و همانند هر بیماری دیگری مبارزه با آن درقدم اول نیاز به شناسایی عوامل مرض دارد. اگر دکتری بدون درک وشناخت عوامل یک مرض، دوایی را به مریض تجویز کند، نه تنها موجب از میان رفتن بیماری نخواهد شد که چه بسا بیماری را سخت و صعب العلاج خواهد ساخت.

آیا هیچ وقت به این مسأله اندیشیده ایم کسی که حاضر به گذشتن از جان خویش می شود، به مسائل مادی نمی اندیشد، پول برای بهبود وضع زندگی است اما کسی که حاضر می شود خود را می کشد، به پول نمی اندیشد.

بنابراین ما درقدم اول باید به روی مسائلی تمرکز کنیم که زمینه های ذهنی تمایل به اقدامات تروریستی از طریق انتحار را فراهم می آورد.

بدون تردید بخشی از این انگیزه ها ریشه در خارج دارد و به مشکلات در سطح بین المللی رابطه می گیرد. اما وقتی به زمینه های داخلی توجه می کنیم، جامعه شناسان و تحلیلگران مسائل تروریسم و خشونت به این باور اند که مسائل اقتصادی و نابه سامانی های اجتماعی در خشونت گرایی تأثیر دارد. در کشور های پیشرفته مثلا در اروپا، دلیل عمدهٔ عدم تمایل به تروریسم را باید در وضع اقتصادی خوب مردم جستجو کرد نه در دموکراسی ویا تحکیم بنیاد های جامعهٔ مدنی. پس این انتظار که در کشور ما با به میان آمدن پارلمان و کامل شدن بنیاد های دولت، تروریسم رو به ضعف برود، انتظاری بیهوده است.

هرقدر سیستم اقتصاد بازار در کشور ما موجبات بیکاری بیشتر و ایجاد فاصله میان فقر و ثروت را به میان آورد،به همان پیمانه تروریسم قوت بیشتر خواهد یافت.

تا زمانی که زمینه های داخلی وجود نداشته باشد، خارجیان نخواهند توانست در داخل یک کشور به ایجاد ناامنی بپردازند. دولت باید مبارزه با مسائلی چون فساد اداری و فساد اخلاقی در جامعه را جدی بگیرد وگرنه همین زمینه های ذهنی به تشویق بیشتر تروریسم و خشونت کمک خواهد کرد. تا کنون مبارزه برضد فساد فقط در حد شعار های میان تهی بوده است.

در بعضی از ولایات، اشخاص به منظور گرفتن رشوه از ایشان دستگیر می شوند. اگر پول ندهند به اتهام این که با طالبان همکاری داشته اند، به زندان می افتند و محاکم نیز در مورد توجه جدی ندارد. همین اکنون عده یی زندانی سیاسی وجود دارد که باوجود این که میعاد حبسی را که محکمه برای آنان تعیین کرده به سررسیده اما هنوز آزاد نشده اند. آیا همین مسأله خود زمینه ساز راندن بی طرف ها به جبههٔ مقابل نیست؟

مخالفت با خشونت نیروهای امریکایی را حتی شخص رئیس جمهور کرزی بارها گوشزد کرده ولی ناشنیده گرفته شده است. این حقیقت که برخورد خشن نیروهای

آیا هیچ وقت به این مسأله اندیشیده ایم کسی که حاضر به گذشتن از جان خویش می شود، به مسائل مادی نمی اندیشد، پول برای بهبود وضع زندگی است اما کسی که حاضر می شود خود را می کشد، به پول نمی اندیشد

امریکایی در افغانستان تأثیر منفی روی امنیت داشته است، خود امریکایی ها نیز به آن معترف اند. خانم ویکتوریا رولاند سفیر امریکا در سازمان ناتو می گوید که ما به خاطری نیرو های انگلیسی را در بعضی از مناطق بحرانی افغانستان جانشین نیروهای امریکایی می نماییم که امریکایی ها با تشدد علیه مردم، موجبات نارضایتی مردم را فراهم کرده اند.

ما به خاطری نیرو های انگلیسی را در بعضی از مناطق بحرانی افغانستان جانشین نیروهای امریکایی می نماییم که امریکایی ها با تشدد علیه مردم، موجبات نارضایتی مردم را فراهم کرده اند

سازمان دیده بان حقوق بشر نیز موارد مختلف نقض حقوق بشر توسط نیروهای امریکایی را در آخرین گزارش خود برشمرده است.

وقتی ما می خواهیم روی راههای جلوگیری از ترور انتحاری صحبت کنیم، باید ریشه های این بیماری را در کشور خود به دقت شناسایی نموده و بعد به صورت علمی و دقیق در جهت امحای آن بکوشیم. مبارزه با این پدیده در هر جامعه یی به یک صورت نیست.

وقتی از ترور انتحاری سخن به میان می آید، بیشتر انگشت اتهام متوجه اسلام و مسلمانان است در حالی که چنین تصور با واقعیت ها توافق ندارد. برای درک درست مسأله باید به حقایق تاریخی هم توجه گردد.

در میان بسیاری از اقوام قطع نظر از این که به کدام دین و مذهب وابسته اند، گاهی چنین پدیده یی سربرآورده است. مثلا ما در چین که مذهب لائوتسه و کنفسیوس در میان مردم عمومیت دارد، در دوره هایی که این کشور تحت ستم زمامداران ستمگر داخلی و یا تجاوز خارجی قرار گرفته است، گاهی چنین تمایلات به اشکال مختلف رونما شده است مثلا جنگ بوکسر ها. در حالی که مذاهب چینی پیروان خود را به چنین مسائلی توصیه نکرده است.

در ژاپن که مردم آن بیشتر به صلح طلبی مشهور اند، موارد مشابه را می یابیم. نزدیک ترین مثال آن در جریان جنگ جهانی دوم دیده شد که در بعضی از جنگ های دریایی، پیلوت های ژاپنی طیاره های مملو از مواد منفجرهٔ خود را به روی کشتی های متفقین کوبیدند وآنهارا سقوط دادند.

در جنگ ویتنام جهان موارد مشابه را شاهد بود. مردم ویتنام بیشتر بودایی بودند که یکی از مذاهب صلح طلب به شمار می آید. در جریان این جنگ، بارها راهبان بودایی طی مراسم خاصی خود را آتش می زدند تا اعتراض خود را به این جنگ نشان دهند.

در تاریخ اسلام هم ما مواردی را می یابیم. حسن صباح اسماعیلی در قلعهٔ الموت پیروانی را تربیت می کرد که قادر بودند به خاطر اهداف رهبرشان خود را قربانی کنند.

در اسلام این پدیده نادر بود اما با به وجود آمدن کشوری به نام اسرائیل، فلسطینی ها از روی ناچاری به این کار روی آوردند. علمای اسلام نیز دراین مورد فتوای موافق دادند. یعنی عملیات استشهادی علیه دشمن در شرایطی که موازنهٔ قوای نظامی کاملا به نفع دشمن باشد، رواست. اما دراین مورد نیز کشتن کسانی که درگیر جنگ نیستند، جواز ندارد.

این پدیده بعد از جنگ خلیج و آزادی کویت توسط نیروهای چندین ملیتی در میان مسلمانان اوج گرفت. دراین رابطه باید به اعمال نیروهای مسلح خارجی در برابر سربازان عراقی اشاره کرد. دراین جنگ ۲۳۶ تن از سربازان نیروهای ائتلاف کشته شد اما نیروهای تحت رهبری امریکا بیش از یکصد وپنجاه هزار سرباز عراقی را حتی در مواردی که آنها با پرچم سفید قصد تسلیم شدن داشتند، قتل عام کردند.

حضور نیروهای امریکایی در خاک عربستان سعودی شرایط ذهنی را به وجود آورد و به این ترتیب فرصتی بسیار مساعد برای القاعده فراهم آمد تا لشکری از کسانی که به آسانی حاضر به گذشتن از جان اند، بسیج نماید.

الیستر کروک در روزنامهٔ گاردین مؤرخ ۱۰ دسمبر ۲۰۰۴ نوشت:

جملهٔ جنگ علیه تروریسم در افکار ما چنان رخنه کرده که ما آن را بدون این که متوجه معنایش شویم می پذیریم. به همین خاطر وقتی که به مردم در امریکا و انگلیس گفته شود که آنها با مشکل تروریسم در شرق میانه مواجه نبوده بل چیزی که به آن نام تروریسم داده شده عبارت است از یک جنگ غیر منظم، پیچیدهٔ هماهنگ و وسیع البنیاد، آنها از این گفته، خوش شان نمی آید....

نړیوالو افغانستان نه دی هیر کړی

ذکو خیل

څرګنده خبره ده چې د کورنیو او بهرنیو هڅو په پایله کې د بن تاریخي غونډه جوړه شوه. دې غونډې د جګړې او سولې ترمنځ پوله رامنځ ته کړه او په هیواد کې یې امن ټینګ کړ.

د بن پریکړې له ستونزو او نیمګړتیاوو سره سره یو په بل پسې په عملي ډګر کې پلې شوې او د غونډې له پریکړو سره سم د ښاغلي حامد کرزي تر مشرۍ لاندې لنډ مهاله اداره جوړه شوه، وروسته د اضطراري لویې جرګې لپاره زمینه برابره شوه او بیا هم د محترم حامد کرزي تر مشرۍ لاندې انتقالي حکومت جوړ شو، انتقالي حکومت د اساسي قانون مسوده ترتیب او د تصویب لپاره یې د اضطراري لویې جرګې غړي راوبلل او اساسي قانون تصویب شو. د غونډې د پریکړو پر دوام د ولسمشرۍ ټولټاکنو لپاره زمینه برابره او د دې قهرمان ملت په غوڅ اکثریت سره بیا هم ښاغلي حامد کرزي د هیواد د ولسمشر په توګه وټاکل شو. د بن له پریکړو سره د ملي شورا جوړیدو لپاره ټولټاکنې تر سره او ولسي او مشرانو جرګې چې دبن غونډې د پریکړو وروستي پړاو جوړې او پر کاریې پیل وکړ، په دې ډول د بن غونډې پریکړې یو په بل پسې په عملي ډګر کې پلې شوې.

د یادونې وړ خبره ده چې د بن او بیا د توکیو او برلین په غونډو کې نړیوالې ټولنې او ملګرو ملتونو خینو موسسو د دې ویجاړ شوي هیواد د بیا رغونې او جوړونې ژمنه کړې وه او په دې موخه چې د میلیاردونو ډالرو مرستې ژمنه هم کړې وه، خو د ژمنه شویو مرستو په اندول د ګران هیواد د بیا رغونې په ډګر کې ډیر څه تر سره نه شول. او د پرګنو په ژوند کې یې څه بدلون تر سترګو نه شو، ډیری پرګنې د جګړې د کالو په شان په وزلۍ او فقر کې شپې ورځې تیروي.

اوس چې د دې هیواد د پرمختیا او ثبات په اړوند په لندن کې د 70 هیوادونو او مرستندویه نړیوالو موسسو د استازیو په ګډون غونډه روانه ده، یو ځل بیایې د دې ځوریدلي ولس هیلې راپاروليی دي، بیا هم د دې مظلوم ولس هیلې د لندن د غونډې له پریکړو سره تړلې ښکاري او له دې غونډې څخه د ډیری پرګنو هیله داده چې وکولی شي ددې رنځیدلي ولس هیلو ته مثبت ځواب ووایي او د ولس په وړاندې پرتې ستونزې او نیمګړتیاوې له مخې لیرې کړي، په هیواد کې بې وزلي او فقر له منځه یوسي او سراسري سوله ټینګه کړي. د وران ویجاړ هیواد د بیا رغونې په ډګر کې عملي او ګړندي ګامونه پورته شي.

ره آورد سفر به هندوستان

راز های یک تصویر

محمد اسحاق فایز

قسمت دوم و پایانی

آن روز من با امیدواری وکرش با احساس غریبه یی با فرزندان سوار موتری شدیم که یکی از دوستان کرش برای سفرشان فرستاده بود. دریور نیز استخدام شده از سوی دوست کرش بود و ما صبح وقت از دهلی به سوی کشمیر در حرکت شدیم. در راه هوش و حواس من متوجه وضعیت کرش بود. دلم برایش می سوخت. بیچاره بسیار تکیده بود. تبسم و لبخند از لبانش رخت بسته بود. آشفته حالی و پریشانی از سر و صورتش هویدا بود. اصلاً به کشمیر و هوای گوارا و منا ظر بدیع آن علاقه یی نشان نداد. من درک کردم که حتی او در این وضعیت ناگوار به رضای من می اندیشد و کاری نمی کند که موجبات آزردگی مرا فراهم کند. من این احساس را در نگاه هایش می خواندم و از این که خلاف میل و رغبت او، او را به کشمیر کشانیده بودم در دل احساس ندامت و پشیمانی می کردم. هرچه بود شده بود و ما در وضعیت روانی نامتجانس به کشمیر می رفتیم در حالی که نیت ما بهره گیری از آب و هوای آنجا به خاطر بهبود وضعیت صحی کرش بود.

خودم نیز احساس نموده بودم که هرچه از دهلی دور تر می شویم، دلم بی قرار تر می شود. دلم شور می زد و ذهنم از حادثه یی ناگوار خبر می داد. کرش خاموش بود و کودکان در عوالم خود از رفتن به کشمیر لذت می بردند. کرش آرام روی سیت کنار دریور نشسته و مانند مجسمه ها ساکت و بی روح در خود فرورفته بود. چند باری که کوشیدم او را از دنیای خودش بیرون کنم موفق نشدم، زیرا او پس از مدتی کوتاه دوباره در دنیای خودش غرق می شد و من عذاب می کشیدم.

این گونه بود که ما می رفتیم کشمیر و بی خبر از این که زندگی چگونه می چرخد و سرنوشت ما چه می شود. دست تصادف و یا مقدرات، ایام سفر ما به کشمیر برابر بود به روزهایی که در سرینیگر رویدادهای بدی اتفاق افتاده بود. بم های کار گذاری شده در بس ها و کنار جاده ها و حمله به کاروان های نظامی جان ده ها تن را گرفته بود. وضعیت در آن جا خوب نبود و نوعی رعب و وحشت درمیان باشندگان منطقه به نظر می رسید. کشمیر با وحشت و ترس لذت بخش نیست و از همین روی از شمار کسانی که از آن جا دیدن می کردند کاسته شده بود.

چند بار میل کردم ازنیمه راه بر گردیم دهلی و از خیر کشمیر بگذریم ولی نشد. اصلاً دلم نیز می خواست که علیه اوهام درونی خویش مقابله کنم. خرافات نیز در نهاد من چیز قابل قبولی نبود و اجازه نمی دادم در لحظات بسیار حساس زندگی خود، خرافاتی شوم و بر مقتضای آنچه این احساس حکم می کند، عمل کنم.

موتر حامل ما به مرکز کشمیر نزدیک می شد. دلهره و ترسی مرموز درنهادم زبانه می کشید. هرچه می کوشیدم تا بر خود مسلط شوم، موفق نمی شدم تا سر انجام محدوده یی خشک و خشنی نمودار شد که استثناء جز کوه های سر به فلک کشیده و دشوار گذاری که تنها جادۀ اسفالت شده از میان آن می گذشت، منظرۀ دل کشی به نظر نمی رسید. این جا هول و اضطرابم شدت یافت. حتی نوعی لرزش در پاهایم احساس کردم. برای اولین بار در زندگی خود از پدیده یی مرموز و نا مکشوف ترسیدم. کرش همانند لحظات پیش آشفته و نگران به نظر می رسید. دریور راه را درسکوت و خاموشی مطلق آمده و حرفی بر زبان نیاورده بود. مسافران عجیب و سفری عجیب بود. کشمیر تا آن روز شاید چنین مسافران عجیبی را میزبانی نکرده بود. موتر ما به درون بخشی از دره به پیش می رفت که پیشتر به آن اشاره کردم و من از دیدن چنین برهنگی واقعاً بدم آمد و تنفری غریب نسبت به کوه و تپه های دشوار و مرتفع آن ناحیه در دلم موج زد. دلم می خواست هرچه زود تر وسریع تر از این قسمت بگذریم. احساسم را پوشیده نگذاشتم و از دریور خواهش کردم تا حد ممکن تلاش کند تا سریع تر رد شویم. دریور نیز با من موافق بود. گویی چیزی در درون او نیز می جوشید. مسافت زیادی در میان این برهوت عجیب و وهم اندود نرفته بودیم که نا گهان صدای چند شلیک گلوله شنیده شد. مثل این که هدف حمله کنندگان موتر ما بود زیرا دریور با ترس و وارخطایی گفت که هدف ما هستیم. در این جا بود که به یکباره همه باور هایم فرو ریخت و احسا س کردم که گاه گاه دل انسان می تواند مانند یک الهام کننده عمل کند و نسبت به حدوث مخاطراتی هشدار بدهد.

موتر ما دیگر نمی توانست به پیش برود. دو تایر پهلوی راست آن با مرمی سوراخ شده بود. موتر به پهلوی راست مانند بخت و اقبال من خم شد و ما با رعب و ترس بسیار از موتر پیاده شدیم. مجال حرکت و گریز باقی نبود. حمله کنندگان در چند قدمی ما بر فراز لاشۀ سنگ بلندی به ما هشدار دادند تا به سوی آنها حرکت کنیم. ناگزیری بود. موتر درکنار جاده ماند و ما به فرمان حمله کنندگان به سوی ارتفاعات بالاتر روان شدیم.

سرنوشت ما را فراخوانده بود تا روز و روزگار نوی برای هریک ما رقم زند. تافاصلۀ سی متری بالا شدیم و در آنجا با مردان خشم آلود و غضبناکی برخوردیم که تصور دوبارۀ آنها، هر بار مو هارا بر اندامم راست می کند. صدای مردی از میان آنها بلند شد:

- زنان و کودکان به یکسو، مردان به یکسو!

دریور جنبید، کرش همراه با او با رنگ پریده خم شد و "تارا" را (دختر دومش تارا نام داشت) از آغوش خود دور کرده و بر زمین گذاشت. تارا می گریست و پدر را رها نمی کرد و لی یکی از مردان حمله کننده به کرش دشنام داده و به او اخطار کرد تا از کنار کودک دور شود.

کرش با اکراه و تأنی از تارا دورشد. با دریور به سوی چپ ما جدا شدند. وقتی از کنار تارا دور می شد، حالت عجیبی داشت. مثلی که می گفت دختر عزیزم خدا حافظ، راه ما شاید از امروز از هم دیگر جداشده است. سفری جدا جدا و شاید سفری ...

من تارا را در آغوش کشیدم. همۀ ما می گریستیم. من در درون خود نیز می گریستم. خود را به خاطر این حادثه و حوادثی که پیش خواهدآمد ملامت می کردم. خود را مسبب آنچه می دانستم که برمن و همسر و فرزندانم می آ مد.

مردان مسلح از کمین گاه ها بیرون شده بودند. قیافه های غریبی داشتند. همه با کلاشینکوف های روسی مسلح بودند.

تارا به سختی گریه می کرد و پیوسته پدرش را صدا میزد. کرش می شنید و لی به خاطر تهدید های مردان مسلح دیگر نمی توانست برگردد و او را آرام کند. لختی به این ترتیب که گذشت، تارا همچنا ن داد می زد و بی تاب تر از گذشته خود را از آغوش من آویزان کرده و سعی داشت تا رهایش کنم و بگذارم تا خود به سویی برودکه پدرش به آن سو هدایت شده بود.

امیدی گنگ در دلم پیداشده بود و از همان روی تارا را رها کردم و کودک با ناله و فریاد به سوی منظورش در حرکت شد. پا هایش برهنه بودند و سنگ و ریگ های درشت ارتفاعات کوه موجب درد و زخم شده بود. کودک به همه حالت می گریست و بالا می رفت تا پدرش را دریابد.

رادا، مکث کوتاهی کرد و ادامه داد :

حادثۀ عجیبی رخ داد. حادثه یی که ذهنم را بیدار کرد که وجدا ن آدمی می تواند هر آن بیدار شود و آدمی را نهیب زند که هشدار! به بیراهه می روی ، آن سو تر پرتگاه هست و ناآدمیت. تارا به بالا می خزید و زانوانش زخم برداشته بودند. کودکان دیگر درکنار من ایستاده و همه گریه می کردند و من می کوشیدم تا آنها را دلداری بدهم.

مردی آن سو دور تر از من متوجه تارا شده بود. مردی دیگر در کنار ما ایستاده و مراقب ما و منتظر دستورهای فرماندهش بود. مردی که بالاتر متوجه تارا شده بود حرکتی کرده و خود را به تارا نزدیک کرد. با پا ی راستش بر پهلوی تارا کوبید و دشنام داد :

- چوچۀ سگ! هندوی پلید! پدرت را می خواهی! من نشانت می دهم.

مرد لختی درنگ کرد. دست به ماشه برد و تارا را نشانه گرفت. تارا که از شدت ضربۀ لگد مر د درد می کشید و ناله اش بالا بود، به یک پهلو افتاد و زانوانش را برای تحمل درد بغل گرفته بود. شاید برای تارا خداوند مقدرات دیگری داشت زیرا تا مرد خواست ماشۀ تفنگش را بکشد، مرد ی که در پهلوی من ایستاده بود فریاد زد:

- دست نگهدار ! مگر این کودک چه گناهی دارد که باید تو اورا بکشی. اگر دختر خودت در چنین حالتی گیر افتد، چه توقعی خواهی داشت ؟

مرد بالای تفنگش را از حالت خطر دور کرد . به سوی رفیق خود دیده گفت :

- مبارک باشد. بسیار مهربان شده یی. دلت به کودکان هندو هم می سوزد!

مرد پایینی لبخند تلخی زد. می خواست به سوی رفیقش برود. چند قدم برداشت ولی مثلی که نادم شد زیرا متوقف مانده گفت:

- حیف قدم هایی که آدم به سوی آدم های نامرد و بی وجدان بردارد.

- واه واه. مثلی که یادت رفته در کوچه و بازار نیستی. در سنگر هستی!

- تف بر سنگری که خون کودکان معصوم درآنها بریزد، تف.

- تف بر آدم هایی که سست و ناپایدارند و هر لحظه راه عوض می کنند.

- تف بر من که اگر از این لحظه به بعد دست بر این تفنگ نگهدارم و با آدم هایی مانند توباشم که آدمیت و اخلاق در نظر شان ذلیل باشد. تف بر چنین راهی و رهروانی که به بهانۀ آزادی و از این قبیل در دام تفرقه و تمایز دین و رنگ و نژاد گیر می افتند و نام آزادی خواهان و انسانیت را کثیف می کنند.

- آدمهایی مانند تو برای من و همراهانم ارزشی ندارند. تو از کشتن کودک هندو می ترسی.

- من از کشتن هرجنبنده یی بیم دارم احمق. حا لا اگر این آدم ها بی گناه باشند و کشته شوند از آن عذاب وجدان می کشم . هندو، مسلمان، سکهـ و عیسوی همه در نزد من یکسان اند. وقتی راه ممکن معلوم است، چه تفاوتی دارد این رنگ ها. من مسلمانم و در دینم کشتن انسان بی گناه،گناه عظیم است و همانند کشتن کل جامعه.و از همین جهت نمی گذارم تا این آدم های بی گناه کشته شوند. کشتن کودکی معصوم، چه پیوندی با راه و آرمانی دارد که راهی آن هستی و به خاطر آن قربانی می دهی؟ مگر هندو ها، سکهـ ها و مسلمانان در این سرزمین زندگی ندارند و چرخه های کار و پیشرفت هند را یکجا به حرکت در نمی آورند؟ مگر جناب عالی می خواهد نسل هندو ها را از دنیا برا ندازد؟

- برای من راه و هدف. مهم است نه کودک وخوتش!

- وبرای من سرزمینم و حاکمیت آن و انسانیت.

- من ازاین سرزمین بیزارم، متنفرم و بنیادش را بر می اندازم .

- و من بنیاد تو را ...

مرد حرفش را ناتمام ماند. نخواست چیزی بگوید. باسرعت تمام سلاحش را از شانه برداشت و برروی مرد بالایی آتش کشود. مرد برروی ارتفاع به زمین غلتید. فریاد کودکان از ترس و ووحشت بالاتر شد. مردان مسلح دیگر از با لا ها پیدا شدند. همۀ ما برروی زمین دراز کشیدیم. این دستور مرد مسلح پایانی بود. اندکی بعد تا حقیقت ماجرا معلوم شد، هنگامۀ عجیبی در گرفت. در اولین برخورد مرد مدافع ما از سوی یکی از افراد بالایی مورد هدف قرار گرفت. مرد مدافع تارا، درخون خویش غرق شد. بدنش سوراخ سوراخ شده بود. مردان دیگری نیز به دفا ع از او برخاستند و درنتیجه، صفوف حمله کنندگان بر ما، به دوحصه تقسیم شد. من و کودکان به اثر توجه مدافعین ما از معرکه بیرون ساخته شدیم. و این زمانی بود که جانب مقابل به دلیل وضعیت جدید مواضع شان را ترک گفتند. ما با کودکانم به درون موتر پناه بردیم و لختی بعد دریور در حالی که خون از سرو صورتش جاری بود از معرکه بیرون شده و به سرعت خود را به ما رسانده، با آشفتگی به من گفت که ما باید از اینجا دور شویم. باقی ماجرا را بعد حکایت می کنم. به دریور گفتم که من نمی توانم کرش را تنها رها کنم ولی او به حرف هایم وقعی نگذاشت و تا من به خود آیم موتر به شدت از جایش کنده شد. شاید حدود چهار تا پنج کیلومتر از محل واقعه دور شده بودیم که موتر را در برابر یک پوستۀ امنیتی متوقف ساخته و بی آن که به حرف های من توجهی کند، وارد پوسته شد. پنج تا ده دقیقه بعد صدای چند موتر پلیس بلند شد.

به دستور ماموران پلیس با کودکانم از موتر پایان شده و به داخل پوسته منتقل گردیدیم. دومرد پلیس در گوشه یی مشغول ادای نماز بودند. پلیسان دیگر هرکدام به کاری مصروف و آمر پلیس با دستگاه بیسیم به افرادش هدایت می داد. چند مسلمان و چند هندو پرسونل باقی مانده پوسته را تشکیل می دادند که به زودی حالت آماده باش یافتند و از داخل محوطه بیرون شدند. آمر پلیس از این که درگیر این ماجرا شده ایم مرا دلداری داد و اظهار امیدواری نمود که به زودی شوهرم آزاد شده و با آسودگی از این جا به سوی مقصد خواهید رفت. از بابت مرحمت هایش از آمر پلیس تشکری کردم و از این که درجریان آن جنگ شدید، خداوند برای کودکانم لطف کرد و جان آنها را نجات داد خوشحال بودم. نگرانی من از بابت جان کرش بود که حمله کنندگان او را بالا تر از ما انتقال داده بودند و نمی دانستم که بر او چه آمده است.

آمر پلیس برایم اطمینان داد که نیروهای ما مهاجمان را در محاصره دارند و به زودی شوهرتان در کنار تان خواهد بود. من از جریان سریع رویدادها سرگیچه شده بودم. نمی دانستم چگونه ممکن است چند زن وکودک از معرکه یی خونین جان به سلامت ببرند. دلم دیگر شور نمی زد به باطنم نوعی الهام شده بود و پایان ماجرا را برایم معنا می کرد، پایانی که در همه حالت آن را دردناک و غم آلود حدس زده بودم. امیدی نداشتم که کرش زنده باشد ولی با آنهم منتظر بودم و امیدوار به یک معجزه. نیم ساعت از رفتن نیروهای پلیس به منطقه گذشته بود که مأمور پلیس از ختم عملیات گزارش داد. مأمور پلیس از این که عملیات پایان یافته بود خوشحال به نظر می رسید. درسیمایش اندوهی آشکار نیز خوانده می شد و این اندوه را من از جهت آن می دانستم که بر کرش اتفاق افتاده است و این یک فال بد بود.

دقایقی بعد سربازان پلیس برگشتند. دو زخمی از افرا د پلیس و چند کشته نیز در میان آنها به پوسته منتقل شد که کشته شدگان یکی هم همان مرد مدافع ما بود که من ماجرایش را به آ مر پلیس نیز حکایت کرده بودم. کشته های دیگر نیز از حمله کنندگان دودسته شده بود که شمار شان به شش نفر می رسید.

نبود کرش درمیان زندگان مرا واداشت تا بلند شوم و از آمر پلیس تقاضا کنم که حقیقت ماجرا را برایم بگوید. مأمور پلیس که آدم با وقار و جوان خوش قلبی بود برایم پیشنهاد کرد تا آرام باشم و بگذارم تا او به کارهایش برسد. اوگفت که شکیبا باشم و منتظر بمانم.

چیزی از دستم بر نمی آمد. ماندم تا ببینم پایان ماجرا چه می شود و کشمیر برایم چه ارمغانی دارد. شاید حدود یک ساعت و نیم دیگر گذشته بود که مأموران پلیس آمدند وگزارش دادندکه همه چیز رو به راه است.

اضطرابم بیشتر شده می رفت. آمر پلیس وضعیت روانی ام را می دانست و می کوشید تا آرام باشم. لحظاتی بعد یک افسر پلیس آمد و به آمرش گفت که دستورهای شما مو به مو اجرا شده است و منتظر اوامر تازه هستم.

آمر پلیس پس از لختی مکث با اشاره به مأمور پلیس او را از دفتر خارج کرد. قیا فه اش گرفته تر از هرگاه دیگر بود و معلوم بود که می خواهد از واقعه یی ناگوار برای من خبربدهد. از جایش بلند شد ودر روی اتاق شروع به قدم زدن کرد. قدم هایش را آرام می گذاشت و رعایت می کرد که صدای ناهنجاری بلند نشود. وقتی دید من منتظر م تا چه پیش آمده است، با مهربانی خاصی گفت :

- وسیلۀ انتقال شما و کودکان شما اکنون آماده شده است. وقتی سوار موتر شده و به استقامت تعیین شده در حرکت شدید، دریور همۀ رویدادها را برایت حکایت خواهد کرد. من برایت از خداوند بزرگ آرزو می کنم که مانند مردان کمر به تربیت و پرورش فرزندانت ببندی.

وقتی کنار موتر رسیدم، دریور درحالی که رنگ بر رخ نداشت وسر و صورتش ضرب خورده به نظر می رسید، مغموم و حیران ایستاده بود و منتظر من، تا بداند چه باید بکنیم.کودکانم شوک خورده و گیچ شده بودند. سوار موتر شدیم و لی از کرش هنوز خبری نبود وقتی موتر ما به حرکت افتید، متوجه شدم که دو موتر پلیس نیز موتر ما را همراهی می کند. موتر دومی جسد کرش را حمل می کرد که با گلوله های مهاجمان سوراخ سوراخ شده بود.

این گونه بود که به سفر رفتیم و کرش از آن سفر زنده بر نگشت.

***

کودک همچنان مشغول لیسیدن چاکلیت دیگری بود که در هنگام گرم شدن حکایت مادرش با من برداشته بود و مشتاقانه آن را مزه مزه می کرد و لذت می برد. زن شاید برای چندمین بار به منظرۀ رو به روی ما که بر دیوار چسپیده بود نگاه می کرد و درمیان اشک های ریزانش دانستم که راز حقیقی چیست و چرا زن به نمای خشن و مرتفع درونته در تصویر می بیند. نمایی که از نظر رادا بسیار شبیه ارتفاعات کشمیر بود که آن ماجرای دردناک برای او و خانواده اش اتفاق افتاده بود.

آنند نکیتن – دهلی جدید

۴ جدی ۱۳۸۴

دولت در آستانهٔ خانه تکانی و جا به جایی جدید

عبدالعلی کوهی

بدون اصلاح ساختار گندیده و متورم دولت، تحقق عدالت اجتماعی بعید به نظر می رسد و تطبیق قانون از شعار به عمل گذر نخواهد کرد. در این روزها مطبوعات کشور دستگاه طویل حکومت را مورد بحث قرار داده و مدعی اند که این دستگاه به حالت تفسخ و پوسیدگی رسیده است.

از دستگاه حکومت گرفته، تا نظام قضایی همه سوال بر انگیز است. کسانی که در هرم قدرت و در رأس ادارات قرار دارند، تعدادی از آنها، کشور را به مثابهٔ یک مال غنیمت و گنج باد آورده تصور می کنند و برای فردای خود و تأمین ما یحتاج خود، دست و پا می زنند و هر زمان بخواهند به خارج از کشور سفر می کنند و سفرهٔ رنگین برای خود و خانوادهٔ خود درست می نمایند.

سطح مطالبات و بازخواست از کارکردها وجود ندارد، همه چیز در یک تشریفات دولتی به پایان می رسد. ضعف مدیریت در کل نظام محسوس است و عناصر ناتوان و فاقد قابلیت های کاری در بدنهٔ نظام جا گرفته اند و تداوم این امر، فاجعهٔ بزرگی را در نظام موجود، به وجود خواهد آورد.

اوضاع و احوال کنونی در کشور ایجاب می کند که نظام موجود باید تعویض گردد، طوری که افراد سود جو و فرصت طلب که نه در گذشته ها کارنامه یی خوب داشته اند و نه هم در مدت حضور در حکومت، کاری در خور توجه انجام داده اند باید کنار گذاشته شوند و ساختار جدید با کمیت کوچک تر، اما با کیفیت و کفایت لازم به کار گماشته شود.

توزیع معاشات چند گونه در ادارات دولتی، دست باز داشتن مشاوران بی سواد خارجی در جا به جایی افراد و همچنان تعیین مسؤولان اجرایی و قضایی بر اساس روابط و... در واقع، کل این نظام را به چالش های بزرگ مواجه ساخته است

امروز به خاطر عدم کارآیی نظام قضایی ضرب المثل مشهوری بر سر زبان هاست که گفته می شود وقتی به محاکم مراجعه می نمایید، باید عمر نوح، صبر ایوب و پول قارون را در اختیار داشته باشید.

بدون شک ایجاد کمیسیون مستقل خدمات ملکی و اصلاحات اداری و ادارهٔ مبارزه با ارتشا و فساد اداری در واقع نخستین گام هایی بود که از سوی دولت برداشته شد و مردم انتظار داشتند تا بدین وسیله جلو نا به سامانی های اداری، خویش خوری و سوء استفاده گرفته شود اما طوری که دیده شد این کمیسیون ها، خود زیر سوال قرار گرفته اند و مردم بدین باور شده اند که این دستگاه ها ساخته و پرداختهٔ دستگاه دولت بوده است و بدین وسیله افراد وابسته به مقامات عالی دولتی به اداراتی راه می یابند که در فرآیند آن یک مدیریت ضعیف به وسیلهٔ دولت در ادارات دولتی به وجود می آید.

همچنان توزیع معاشات چند گونه در ادارات دولتی، دست باز داشتن مشاوران بی سواد خارجی در جا به جایی افراد و همچنان تعیین مسؤولان اجرایی و قضایی بر اساس روابط و... در واقع، کل این نظام را به چالش های بزرگ مواجه ساخته است از همین رو بحران بی اعتمادی میان دولت و مردم همه روزه عمیق تر می شود که یک تعداد با استفاده از جو به وجود آمده از کوخ به کاخ رسیده اند.

به هر صورت، تداوم چنین نظام اداری ناکارا، چالش ها و پیامدهای ناگوار و جبران ناپذیری را چون: اختلاس، جعل، تزویر، استفاده جویی از بیت المال، چور و چپاول دارایی های عامه، غصب جایدادهای دولتی و شخصی و... به بار خواهد آورد.

بدون شک آنچه که در این بحران خیلی شاخص و متبارز می نماید لگام گسیختگی و فساد اداری در کشور است. این فساد، بیشتر دستگاه قضایی کشور این نظام مقدس و ملکوتی را فرسوده و متعفن ساخته است و تا وقتی که قوهٔ قضائیهٔ کشورمان طبق مفاد قانون اساسی عمل نکند، روند کنونی به فاجعه تبدیل خواهد شد.

به همین اساس اوضاع و احوال در کشور ایجاب می کند که از چنین نظام اداری نامیمون، به زود ترین فرصت جلوگیری صورت گیرد و در راه ایجاد یک نظام اجرایی کارا و دلسوز گام برداشته شود و از عمیق تر شدن بحران اعتماد میان دولت و مردم جلوگیری گردد در غیر آن یک دور تسلسل باطل از سر گرفته خواهد شد.

در انحرافات اخلاقی جوانان ...

که ویرانی های گذشته به دست پرتوان جوانان این سرزمین بازسازی گردد. اما باکمال تأسف که عده یی فاسد و زراندوز در این کشور با ایجاد مراکز فساد و فحشا در صدد اند تا نسل جوان این کشور را به راه دیگری سوق دهند. من به نمونه یی از این دسیسهٔ بزرگ اشاره می کنم:

از حدود یک ماه قبل شخصی که گویا شهروند کشور آلمان بوده و تحصیلکرده و صاحب عنوان دکترا هم است، در منطقهٔ علاء الدین، جوار سفارت روسیه یک خانه را به کرایه گرفته است. صاحب خانه که نام خارجی را می شنود به هیچ چیز جز دلار نمی اندیشد، بدون قید و شرط خانه را به وی سپرد اما در همان روز اول مشخص شد که این خانه محل زندگی زنان بدکارهٔ چینایی است. این زنان به صورت علنی جوانان را به گناه دعوت می کردند و گاهی هم زنان افغان نیز به آنجا آورده می شدند. مردم در حد توان سعی کردند که مانع کار آنان شوند و به حوزهٔ پولیس مربوطه نیز شکایت کردند ولی بی نتیجه بود. ناچار به کمیسیون موظف تحت ریاست محترم عبدالجبار ثابت مراجعه کردند که نامبرده با جمع دیگری از همکاران شان شب سه شنبه سه دلو خانه را محاصره نموده و با وجود ممانعت و سروصدای ساکنان به خانه وارد شدند. در آنجا به مدارک غیر قابل انکار برخوردند که نشان می داد کارهای منافی عفت در آن صورت می گیرد. از این خانه مقادیر زیادی مشروبات الکلی نیز ضبط شد.

کار خانه های فساد در شهر کابل اکنون شکل یک تجارت مافیایی و پررونق را به خود گرفته است و بعضی از مردان خارجی با کرایه گرفتن خانه، چند زن بدکارهٔ چینایی را در آنجا استخدام می کنند و از این مدرک پول به دست می آورند. عجیب است که به کار گرفتن زنان برای چنین مقاصدی در غرب عمل خلاف حقوق بشر بوده و به بردگی کشیدن زنان برای استفادهٔ جنسی به شمار می آید اما در کشور ما نهاد های حقوق بشر به آن توجهی ندارند.

سوال این است که سفارت خانه های ما چرا در جریان این مسائل نیستند و بدون بررسی در مورد این که دلیل رفتن آنها به افغانستان چیست، به این گونه زنان ویزای ورود به افغانستان می دهند و چرا ویزاهای آنان در کابل تمدید می شود؟

ما مردم منطقهٔ علاء الدین ضمن ابراز تشکر وسپاس فراوان از دست اندرکاران وزارت امور داخله، از ایشان تقاضا داریم تا به منطقهٔ کارتهٔ سه و چهار نیز توجه نمایند. پس از بسته شدن بعضی از خانه های فساد در شهر نو و وزیر اکبر خان، اکنون آنها، به این منطقه نقل مکان کرده اند.

با احترام

از طرف عده یی از مردم

منطقهٔ علاء الدین

په خپلو پښو دریدلي هیواد پرتمه

ذبیح الله اتل

داچې له کورنیو جګړو وروسته ددی مظلوم ملت لپاره بیا یو چانس مساعد شو او د نړیوالو په ملاتړ په هیواد کې سوله راغله او د پرمختګ لپاره تر یو اندازې شرایط مساعد شول او خلکو هم نسبتاً په ارامه فضا کې خپلو ټولنیزو چاروته دوام ورکړ او ټول په دې پوه شول چې دنوی دوری په راتګ سره به د هیواد په ګوټ ګوټ کې د بیا رغونی لپاره ګرندی ګامونه پورته شي؛ خو په تاسف سره ویلای شو لکه څنګه چې د خلکو هیلې وې او د نوی لندمهاله او بیا وروسته انتقال دوری په راتګ سره هغه څه چې باید د دي هیواد د ودانولو او بیا رغونی لپاره شوی وای خو و نه شول. دا سمه ده چې بهرنیو هیوادونو په دغه برخه کې بې شمیره مرسته وکړی او پر میلیونو ډالرو یې مرسته وکړه خو دا چې مرسته شوی پیسې د دې پرخای چې له پلان سره سم پر بیا رغونه لګول شوی وای ټولی پیسې د موسساتو او انجوګانو پر لوړو ماشونو، لوکسو موټرونو او اپارتمانونو ولګول شوی چې تر اوسه هیڅ یو قانونی مرجع ور څخه پوښتنه ونه کړه او که چا وکړه نو د سترګو په رپه کې یې له خپل ځای څخه لرې کوي او بل څوك یې پرځای مقرروی.

ډیری بهرنی مرستې چې د هیواد د بیا رغونی لپاره شوی وې حتی هغه پیسې بیرته هغو هیوادونوته ورسیدی چې مرسته یې کړې وه څکه که له یوی خوا بهرنیو هیوادونو مرسته کړی نو له بلی خوایی ورسره خپل بهرنیان هم راستولی چې د هغوی معاشونه تر سو زرو ډالرو لوړ دی نو د هغوی د مرستو پیسې داسې معنا لري چې لکه له یوه جیب څخه چې پیسې راوباسې او په بل جیب کې یې واچوی.

اوس چې یو ځل بیا د لندن په کنفرانس کې بهرنیو هیوادونو د دی په موخه چې له تروریزم سره جدی مبارزه، د مخدراتو له قاچاق او کښت څخه مخنیونه وشی او د دی هیواد دپرمختګ په برخه کې رغندنه ګامونه پورته شي د مرستو اعلان کوی او د هیواد وګړی بیا په دې هیله دي چې دا ځل به د هغوی په ژوند کې د موجوده ستونزو د اواری لپاره یو څه وشی او د هیواد په بیا رغونه کې به دولت ځانګړی ګامونه پورته کړی او دا چې دا ځل به مرسته د دولت له لاری جلب او دهیواد په بیا رغونه به ولګول شي دا یو بل زیری دی چې خلك یې تر مخکې ته زیات د راتلونکی لپاره هیله من کړی دی خو د دوی هیله له دولتي چارواکو څخه داده چې هغوی هم د موسساتو او انجوګانو په شان نومړی مرستی په خپلو جیبونو وانه اچوی او د اپارتمانونو او د نویو موډلونو موټرونو پر اخیستلو ونه لګوی څکه دا هیواد دریو لسیزو جګړو سخت ځپلی هرڅه یی یا بهرنیو هیوادونو ته وړل شوی او یا هم د خپل منځی جګړو په ترڅ کی لوټل شوی او یا هم له خاورو سره خاوری شوی دی له دې امله هیواد له خپلو بچیانو څخه غواړی د ټینګ عزم او نه ستړی کیدونکیو هڅو په کولو سره خپلی متمی رابدوهی او په بیا ودانولو کی غښتلی ګامونه پورته کړی. ترڅو به د نورو مرستو ته اړ یو او د بل جیب ته به مو سترګی وی زموږ هیواد نو باید په خپلو پښو ودریږی او له نورو سره د مرستی اعلان وکړی. د داسی یوه هیواد په هیله

کوفی عنان:

کمک به فلسطین مشروط خواهد بود

کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، گفته است ادامهٔ کمک مالی به تشکیلات خودگردان فلسطین در آینده، بستگی به تعهد این دولت به صلح و به رسمیت شناختن کشور اسرائیل دارد.

آقای عنان که به نمایندگی سازمان ملل، اتحادیهٔ اروپا، آمریکا و روسیه – موسوم به 'گروه چهارتایی' پیگیر صلح خاورمیانه – سخن می گفت، افزود: 'هر دولت جدید در فلسطین باید به توافق های پیشین از جمله 'نقشهٔ راه صلح' پای بند باشد.

نمایندگان چهار قدرت اصلی حمایت کننده از 'نقشهٔ راه' روز دوشنبه در لندن، پایتخت بریتانیا، دیدار کرده و در مورد نحوهٔ تعامل با دولت آیندهٔ فلسطینی، که قرار است توسط گروه حماس تشکیل شود، به گفتگو نشستند.

در روزهای گذشته، و در پی پیروزی گروه اسلامگرای حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین، تعدادی از مقام های دولت های غربی، ادامهٔ اهدای کمک مالی به تشکیلات خودگردان را مورد سوال قرار داده اند.

واژه های این بیانیه با دقت انتخاب شده اند و نویسندگان آن به جای درخواست محکوم کردن خشونت از جانب حماس، یا به رسمیت شناختن بلادرنگ کشور اسرائیل، تنها خواستار پای بندی به این مسائل در آینده شده اند.

با این حال برخی ناظران می گویند: لحن بیانیهٔ 'گروه چهارتایی' مقداری ملایم تر از



تهدیدهای قبلی است و تا اندازه یی از فشار بر حماس خواهد کاست.

در این بیانیه آمده است: تمام اعضای دولت آینده فلسطینی باید به چند چیز پای بند باشند: پرهیز از خشونت، به رسمیت شناختن کشور اسرائیل و پذیرش توافق های پیشین از جمله 'نقشه راه'.'

پیش از این در اجلاس روز دوشنبه وزرای خارجهٔ اتحادیه اروپا، اعلام شده بود که این اتحادیه تا زمانی که دولت جدید فلسطینی به صلح با اسرائیل متعهد بماند به کمک های مالی خود به دولت خودگردان فلسطین ادامه خواهد داد.

وزرای اتحادیهٔ اروپا در پایان این اجلاس درخواست خود را از حماس تکرار کردند که خشونت را محکوم کند و دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسد.

پیشتر محمود عباس، رهبر فلسطینیان، پس از گفتگو با آنگلا مرکل، نخست وزیر آلمان در رام الله از جامعهٔ جهانی خواسته بود تا کمک های مالی خود به تشکیلات خود گردان فلسطین را قطع نکنند.

اعضای اتحادیهٔ اروپا در سال گذشتهٔ میلادی مجموعا ۶۰۰ میلیون دلار به فلسطینیان کمک کرده اند.

اما پیروزی غیرمنتظرهٔ حماس در انتخابات پارلمانی، اتحادیهٔ اروپا را دچار بلاتکلیفی کرده است؛ زیرا این گروه دهها بمبگذار استشهادی را به داخل اسرائیل فرستاده است.

پیروزی حماس باعث ناخشنودی غربی ها شده است

تکساری



در انتخابات پارلمانی فلسطین، سازمان اسلامی حماس به اکثریت کرسی ها در مجلس قانونگذاری راه یافت و این سازمان از سوی محمود عباس مکلف به تشکیل کابینه گردید. این امر، خشم سازمان آزادی بخش فلسطین را در داخل ادارهٔ خود گردان فلسطین و خارج از آن برانگیخت. سازمان آزادی بخش فلسطین، پیروزی حماس را فساد در داخل سازمان فتح خواند.

این پیروزی در سطح ملی و بین المللی واکنش های متفاوتی را به وجود آورده است چنانچه در کل جامعهٔ فلسطین، کسانی که طرفدار گفتمان سیاسی با اسرائیل هستند این پیروزی حماس را به دیدهٔ شک و تردید می نگرند از همین رو سازمان الفتح که دارای پایه های اجتماعی و سیاسی عمیق در فلسطین می باشد، نتوانست این پیروزی را تحمل نماید و صدای اعتراض خویش را بلند کرد.

از جانب دیگر اسرائیل، جریان گفتگوها با فلسطین را پایان یافته تلقی نمود و قصر سفید این پیروزی را ناخوش آیند خواند و آن را مانعی در راه مذاکره با اسرائیل و روند صلح در خاور میانه تلقی کرد.

امریکایی ها همواره بر سر این مساله اصرار می ورزند که فلسطینی ها اسرائیل را به رسمیت بشناسند و اسرائیل نیز رویهٔ بالمثل را باید اختیار نماید.

از جریان مبارزات انتخاباتی فلسطین چنان بر می آید که سازمان حماس نسبت به هر سازمانی دیگر در فلسطین از محبوبیت و قدرت نظامی بیشتری برخوردار بوده است.

حماس بر ادامهٔ جنگ علیه اسرائیل تأکید می ورزد و خروج اسرائیل از نوارغزه را نتیجهٔ

از جریان مبارزات انتخاباتی فلسطین چنان بر می آید که سازمان حماس نسبت به هر سازمانی دیگر در فلسطین از محبوبیت و قدرت نظامی بیشتری برخوردار بوده است

مبارزهٔ مسلحانه و دوامدار مردم فلسطین برضد اسرائیل می داند.

این سازمان حاضر نیست حکومت اسرائیل را که پس از جنگ جهانی دوم با حمایت ایالات متحدهٔ امریکا و صهیونیزم بین المللی در فلسطین جا به جا گردیده است

اوضاع و احوال در فلسطین نشان دهندهٔ آن است که این کشور وارد مرحلهٔ جدید سیاسی خویش گردیده است و دنیا منتظر است که سازمان حماس چگونه وارد این کار زار بزرگ می گردد

به رسمیت بشناسد.

این سازمان باور دارد که بدون استرداد خاک فلسطینی ها، استقرار صلح در منطقه، غیر منطقی به نظر می رسد؛ چیزی که برای تحقق آن تا کنون خون هزاران نفر ریخته شده است. بناءً ما حصل این خون ها تنها استرداد خاک و سرزمین های اشغال شدهٔ فلسطینیان می باشد.

به این اساس در اوضاع و احوال کنونی ادارهٔ خودگردان فلسطین زیر فشار امریکا و متحدین این کشور قرار دارد تا این سازمان پر قدرت نظامی را به پروسهٔ صلح باز گرداند و قضیهٔ فلسطین و اسرائیل را از طریق مذاکره حل و فصل نماید. در داخل جامعهٔ فلسطینی و خارج از آن نیز این گرایش در حال قوت یافتن است که باید قضیهٔ فلسطین و استرداد مناطق اشغال شدهٔ آن توسط اسرائیل به طور مسالمت آمیز به دست آید. همچنان جامعهٔ جهانی از ادارهٔ خودگردان فلسطین خواسته است که سازمان حماس را از طرز تفکر مسلحانه خارج کنند تا به یک جوّ سیاسی جدید یعنی گفتمان سیاسی میان فلسطین و اسرائیل بپیوندد.

در این حال، کشورهایی که عدم سازش با اسرائیل را در سر لوحهٔ کار خویش قرار داده بودند آهسته آهسته تغییر موضع داده اند چنانچه مصر در نتیجهٔ یک مذاکره صحرای سینا را از اسرائیل باز پس گرفت و روابط دپلماتیک با اسرائیل برقرار کرد. همچنان پاکستان از موضع قبلی خویش تنزل نمود و موضوع به رسمیت شناختن اسرائیل را مشروط به اعادهٔ حقوق فلسطینی ها از سوی این کشور دانست و همین گونه توصیهٔ رئیس جمهوری افغانستان به ادامهٔ مذاکرات میان فلسطین و اسرائیل بیانگر تغییر مواضع کشورهای اسلامی نسبت به اسرائیل است.

اما اوضاع و احوال در فلسطین نشان دهندهٔ آن است که این کشور وارد مرحلهٔ جدید سیاسی خویش گردیده است و دنیا منتظر است که سازمان حماس چگونه وارد این کار زار بزرگ می گردد و در برابر این چالش بزرگ، چه تدابیری را اتخاذ می نماید.

به هر حال این روند جدید هر چه بوده باشد ولی فرآیند آن از دو حوزهٔ فعالیت بیرون نخواهد بود: تشدید مبارزهٔ مسلحانه و یا گفتمان سیاسی میان فلسطین و اسرائیل.

لس آنجلس تایمز:

امریکا در کشورهای اسلامی به ترورهای هدف مند روی آورده است

امریکا با بهره گیری از شیوه ها و تجربیات رژیم اسرائیل، برای از میان برداشتن مخالفان سیاست های فزون خواهانهٔ خود در جهان و به ویژه در بین کشورهای اسلامی ، به ترورهای هدف مند روی آورده است.

دامنهٔ این ترورهای هدف مند، از افغانستان گرفته تا یمن ، پاکستان و عراق گسترانده شده و واشنگتن مدعی است که این طرح صرفا مظنونان عضویت در گروه القاعده را هدف قرار می دهد. هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین مجهز به موشکهای هدایت شونده ، بخشی از تجهیزات مورد استفادهٔ نیروهای امریکایی در اجرای طرح ترورهای هدف مند است.

روزنامهٔ امریکایی لس آنجلس تایمز روز یک شنبه در پایگاه اینترنتی خود به نقل از برخی مقامات این کشور از توسعهٔ اقدامات فوق سری واشنگتن در دیگر کشورها برای ترور هدف مند افرادی خبر داد که از آنها به عنوان مظنونان تروریستی نام برده می شود. لس آنجلس تایمز تصریح کرد: باوجود اعتراض های دیگر کشورها به اقدامات مخفیانهٔ امریکا در خاک آنها ، واشنگتن در حال افزایش اقدامات فوق سری چون پرواز هواپیماهای بدون سرنشین با قابلیت پرتاب موشک به منظور ردگیری و کشتار اعضای شبکهٔ غیرمتمرکز القاعده است.

به نوشتهٔ این روزنامه، اقدام نافرجام سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) در ۱۳ جنوری امسال برای به قتل رساندن ایمن الظواهری مرد شماره دو سازمان القاعده در پاکستان ، تازه ترین اقدام دولت امریکا در اجرای برنامهٔ ترور هدف مند به شمار می رود. لس آنجلس تایمز نوشته است : مقامات امریکایی می گویند: این طرح محرمانه به این خاطر ارائه شده که اعضای القاعده به سلول های کوچک تر و غیرمتمرکزتر تقسیم شده اند و در اماکن مختلف افغانستان زندگی می کنند. این روزنامه نوشت : تلاش برای کشتن الظواهری در دهکدهٔ کوچک در شمال پاکستان به کشته شدن ۱۸ غیرنظامی بی گناه منجر شد که اکثر آنان را زنان و کودکان تشکیل می دادند و این امر به تظاهرات گستردهٔ ضد امریکایی در سراسر پاکستان و بسیاری از کشورهای اسلامی منجر گردید. لس آنجلس تایمز فاش کرد: علاوه بر پاکستان ، امریکا از هواپیماهای شکاری بدون سرنشین مجهز به موشک برای هدف قراردادن رهبران سیاسی و ترورهای هدف مند در افغانستان، عراق و یمن نیز بهره گرفته است.

لس آنجلس تایمز با اشاره به این که کمتر کسی دربارهٔ برنامهٔ ترورهای هدف مند دولت امریکا در دیگر کشورها خبر دارد، نوشت : مقامات کاخ سفید از صحبت دربارهٔ این که تاکنون چند مورد از این حملات انجام شده و تاکنون چند نفر غیرنظامی در این حملات جان خود را از دست داده اند خودداری کرده اند و هیچ مقام امریکایی دراین بارهٔ تمایلی به صحبت ندارد. لس آنجلس تایمز می نویسد: امریکا مدعی است با اجرای طرح ترور هدف مند توانسته تاکنون چهار نفر از اعضای ارشد القاعده را به قتل برساند حال آن که این حملات ، تلفات غیرنظامی زیادی نیز در پی داشته است.

همایش لندن ...

اجلاس لندن در حالی برگزار می شود که با وجود پیشرفت های افغانستان در برخی زمینه های سیاسی از زمان سقوط رژیم طالبان، این کشور همچنان با مشکلات متعددی در زمینهٔ مسایل امنیتی و مبارزه با فقر مواجه است.

آقای کرزی رئیس جمهوری افغانستان، جک استرا وزیر خارجهٔ بریتانیا، سفیر سازمان ملل متحد برای حفظ صلح، وزیر خارجهٔ هند، کاندولیزا رایس، وزیر خارجهٔ امریکا و وزیر خارجهٔ استرالیا، از سخنران دیروزی این اجلاس بودند.

خانم رایس در سخنان خود از تعهد ایالات متحده نسبت به بازسازی افغانستان خبر داد و گفت در سال آینده امریکا یک میلیارد و یک صد میلیون دلار برای افغانستان کمک خواهد کرد. وزیر خارجهٔ استرالیا نیز از کمک یک صد و پنجاه میلیون دلاری کشورش به افغانستان خبر داد.

گفتنی است که وزیر خارجهٔ آمریکا در سخنانی قبل از آغاز همایش گفته بود که ایالات متحده خود را از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی نسبت به افغانستان کاملا متعهد می داند و به حضور نیرومند خود در این کشور ادامه می دهد.

و در مقابل، منوچهر متکی، وزیر خارجهٔ ایران که در اجلاس لندن شرکت دارد، خواستار زمان بندی خروج نیروهای خارجی از افغانستان شد.

به گزارش ایرنا، وزیر خارجهٔ ایران گفت که "اکنون افغانستان دورهٔ دولت سازی را پشت سر گذاشته و جمهوری اسلامی بر ضرورت امنیت این کشور توسط نیروهای نظامی و انتظامی افغانستان تأکید دارد و این امر مقدمه یی برای ارایهٔ یک برنامهٔ زمان بندی برای خروج نیروهای خارجی از این کشور است."

وی گفت: از نظر جمهوری اسلامی، حضور نیروهای خارجی در افغانستان باعث نا امنی در این کشور و منطقه می شود و وی امیدوار است این نظر در اجلاس لندن مورد توجه قرار گیرد.

آقای متکی گفته است که افغانستان همسایهٔ ایران است و تحولات آن کشور قطعا برای ایران و سایر کشورهای همسایه اهمیت خاصی دارد.

وی یادآور شد که در خلال ۲۷ سال گذشته، مردم و دولت ایران با وجود شرایط سخت به مردم افغانستان کمک کرده اند و حمایت ایران از افغانستان ادامه خواهد داشت.

به گفتهٔ آقای متکی، اجلاس لندن در واقع ادامهٔ اجلاس پنج سال پیش در بن، آلمان، و اجلاس بازسازی افغانستان در توکیو، پایتخت ژاپن است که به منظور ابراز ارادهٔ بین المللی برای کمک به بازسازی افغانستان برپا شده بود.

وزیر خارجهٔ ایران گفت که این کشور در اجلاس توکیو متعهد شد ۵۶۰ میلیون دلار به بازسازی افغانستان اختصاص دهد و آخرین مرحله از این کمک در سال جاری تخصیص می یابد.

وی گفت اجلاس لندن به بررسی تعهدات انجام نشدهٔ خارجی نیز خواهد پرداخت و جمهوری اسلامی دیدگاه خود را در این اجلاس بیان خواهد کرد.

آقای متکی مبارزه با مواد مخدر را یکی از موضوع های مهم در دستور کار اجلاس لندن خواند و بر ضرورت مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر تأکید ورزید.

حکمت مشروعیت اختلاف در مسائل فقهی

برگرفته از اینترنت

ترجمهٔ محمود الله فیروز

بدون شک برداشت چند گونه از قرآن و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و اختلاف احوال و زمان و مکان از عوامل برجستهٔ اختلاف دانشمندان اسلامی در فقه می باشد، که بر مبنای همین اختلاف مذاهب و فتوا، برخی از علما جهت برقراری فضای گذشت و تسامح، قواعدی را وضع نموده و گفته اند که هیچ کسی نمی تواند از مسألهٔ اجتهادیی انکار ورزد که بر احکام قرآن و سنت استوار باشد. بناءً از این فرمودهٔ علما می توان چنین برداشت کرد که اختلاف در مسائل فقهی جایز است اما این که نگرش مسلمانان از آن چگونه باشد و به مسأله یی مخالف رأی و فتوای مذهب شان چگونه برخوردی داشته باشند و آیا می توان از آن انکار ورزید و...؟ دکتر قطب مصطفی سانو عضو مجمع فقهی اسلامی و وکیل دانشگاه بین المللی اسلامی در مالیزیا در برنامهٔ تلویزیونی (الشریعه و الحیاه) که از تلویزیون الجزیره منتشر می شود، به برخی از این پرسش ها پاسخ گفته است:

□ **زمانی که ما می خواهیم از میراث فقهی و اسلامی مان صحبت نماییم با میراثی سرشار از آرای گونه گون بر می خوریم در صورت تعارض این آرا با یکدیگر، بینش ما از آن چگونه باید باشد؟**

■ بدون شک اختلاف، خواه فقهی باشد و یا عقیدتی، محور اساسی علوم اسلامی را تشکیل می دهد و ناگفته نباید گذاشت که اختلاف فقهی اختلاف طبیعی است که برمبنای خواست زمان و احوال صورت گرفته است و این یک نیاز دینی و حتا نیاز دنیوی بشریت می باشد اما این که اختلاف چگونه نیاز دینی ماست؟ باید گفت که قرآن کریم و سنت نبوی متضمن دو نوع احکام می باشد محکم و متشابه چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم در سورهٔ آل عمران می فرماید: "آن ذاتی که بر تو نازل کرده است این کتاب را در آن آیاتی است محکم و دیگر آن متشابه..." و همان گونه در اسلام احکام کلی و جزئی، عام و خاص، مطلق و مقید وجود دارند، برداشت و درک انسان ها بنا بر عرف و عادات موجود در اجتماع نیز متفاوت و مختلف می باشد.

اختلاف فقهی بیانگر غنامندی فقهی و فکری ماست و پیروان هر دین در تلاش نگهداشت و غنامندی میراث فرهنگی، تاریخی و اعتقادی شان می باشند ولی ما این غنامندی (غنامندی فقهی اسلامی) را در هیچ دینی دیگر سراغ نداریم

□ **به هر حال بر سر موضوع اسباب اختلاف فقهی بر می گردیم حالا می خواهیم بدانیم که برداشت ما از این اختلافات چگونه باید باشد آیا چنان که برخی ها ادعا می کنند عیب پنداشته می شود؟ و یا این که اختلاف در مسائل فقهی بیانگر جهان شمولی اسلام و قابل تطبیق بودن آن در هر زمان و مکان می باشد؟**

■ قاطعانه باید بگوییم که اختلاف فقهی بیانگر غنامندی فقهی و فکری ماست و پیروان هر دین در تلاش نگهداشت و غنامندی میراث فرهنگی، تاریخی و اعتقادی شان می باشند ولی ما این غنامندی (غنامندی فقهی اسلامی) را در هیچ دینی دیگر سراغ نداریم. اما اختلاف فقهی کدام زمان مؤثر و مفید می باشد؟ بی تردید هرگاه که اختلاف، اختلاف تنوع و مؤثریت باشد خیر پنداشته می شود اما اگر اختلاف، اختلاف تضاد و تناقض باشد در این صورت همه اش شر است.

□ **برخی ها نظر به فرمودهٔ رسول خدا صلی الله علیه وسلم: "اختلاف امت من رحمت است" اختلاف را رحمت می پندارند و برخی ها بدین باورند که نظر به فرمودهٔ خداوند متعال رحمت نیست چنانچه در سورهٔ اعراف آمده است: "وهمواره با هم اختلاف می نمایند مگر آن که پروردگارت بر کسی رحم نماید" بناءً کدام وقت اختلاف رحمت پنداشته می شود؟**

■ برای کسانی که بدین باورند که اختلاف رحمت نیست و از آیت بالا استدلال می نمایند باید بگوییم که خداوند متعال در همین نیز فرموده است: "و برای همین آنها را آفریده ام" پس می توان گفت که خداوند انسان ها را با هم به شکل مخالف آفریده است؛ از همین رو اختلاف، یک امر طبیعی است و باید بگوییم که اختلاف به صورت مطلق نه رحمت است و نه غضب چنانچه در بالا گفته آمد، اگر اختلاف، اختلاف تنوع باشد، مفید است مثلاً خداوند متعال در قرآن کریم از چنین اختلافی برای ما آگاهی می دهد: "و از نشانه های خداوند پیدایش آسمان ها و زمین ها و آفریدن زبان ها و رنگ های مختلف می باشد بی شک در این پیدایش برای جهانیان دلائلی نهفته است." و اختلاف فقهی نیز زاییده یی چنین اختلافی است که اگر اختلاف مشروع باشد و بر مدار نصوص ظنی الدلاله و ظنی الثبوت و یا هر دو استوار باشد رحمت است. و ما در تألیفات فقهی خویش با این گونه اختلاف زیاد بر می خوریم که گاهی برای یک حکم بیشتر از سه، چهار، پنج الی پنجاه رأی وجود دارد.

□ **مشکل در این جاست که گاهی برخی ها سعی می نمایند تا مردم را به پذیرفتن رأی یا مذهبی مشخص مجبور بسازند و تنها خود را بر حق می پندارند نظر شما در این مورد چیست؟**

■ شرعاً جواز ندارد که مردم را به پذیرفتن رأیی مشخص در مسائل فقهی و یا مسائل اجتهادی مجبور سازیم. بلکه بایسته است برای هر فردی اجازه بدهیم تا آرای تمام دانشمندان مجتهد را بپذیرد. چون درک و فهم از نصوص، متعدد می باشد و یا به عبارهٔ دیگر می توان گفت که نص معصوم است اما درک و فهم آن معصوم نخواهد بود. بر همین اساس در برخی موارد غالباً آرا متعدد می شود و آرای متعدد به مجتهدین، فقها و مفتیان متعدد می انجامد که مسلمان نباید از تمام آنها انکار ورزد و خود را ملزم به پذیرفتن یک رأی مشخص نماید چنانچه سفیان ثوری می گوید: هرگاه کسی را دیدی کاری را انجام می دهد که دانشمندی دیگری بدان رأی داده است او را از عملش باز مدار چون در انجام دادن مسائل اختلافی کیفری نیست؛ زیرا کیفر در انجام دادن کارهای گناه می باشد و بی تردید که در انجام دادن و ندادن مسائل اجتهادی گناه نیست بلکه پاداش است.

□ **مسلمانان چگونه بفهمند که اختلاف بر سر مسائلی است که ظنی الثبوت است نه قطعی الثبوت؟**

■ اختلافات همیشه در مظنونات و یا به عبارهٔ دیگر در متغیرات می باشد مانند اختلاف در هیأت و کیفیت نماز، خواندن بسم الله در آغاز هر سوره، تلاوت کردن عقب امام در حالت جهری و خفیه، بلند آمین گفتن و... چنانچه رسول خدا صلی الله علیه وسلم در غزوهٔ خندق فرمودند: "نماز نخواند هیچ یک از شما مگر در بنی قریظه" در این صورت برخی از صحابه نماز را در راه ادا کردند و از امر رسول خدا چنین برداشت کردند که ایشان می خواهند هرچه عاجل خود را به بنی قریظه برسانیم و برخی هم به ظاهر فرمودهٔ رسول خدا عمل کردند و بدین باور شدند که نماز خواندن جایز نیست مگر در بنی قریظه اما زمانی که نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم آمدند هیچ کسی را سرزنش نکرد و هر کس هرچه که انجام داده بود تأییدش نمود.

بایسته است برای هر فردی اجازه بدهیم تا آرای تمام دانشمندان مجتهد را بپذیرد. چون درک و فهم از نصوص، متعدد می باشد و یا به عبارهٔ دیگر می توان گفت که نص معصوم است اما درک و فهم آن معصوم نخواهد بود. بر همین اساس در برخی موارد غالباً آرا متعدد می شود و آرای متعدد به مجتهدین، فقها و مفتیان متعدد می انجامد

همچنان ما در کتب تاریخ می خوانیم که صحابهٔ کرام پس از وفات پیامبر اسلام اختلاف کردند که جسد ایشان را در کجا دفن نمایند و جانشین وی کی باشد بناءً ما می توانیم از واقعات چنین برداشت نماییم که چون صحابهٔ کرام و تابعین و دانشمندان اسلام همواره کوشش می کردند عملی را انجام بدهند که مخالف ادب اسلامی نباشد بر ثوابت به صورت قطع باور داشتند و عمل می نمودند و از مظنونات و متغیرات برداشت هایی متفاوت نمودند.

ادامه دارد

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۳۴ چهار شنبه ۱۲ دلو ۱۳۸۴ ۳ محرم الحرام ۱۴۲۶ – 1 February 2005

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ملت

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

جلسه یی بی اجندا

در کشور ما بـه فضـل خداونـد جـل جلالـه مشـکلات، روزبـه روز در حـال از میـان رفـتن اسـت. مجلـس نماینـدگان(ولسـی جرگـه) کشور هم به همین دلیـل نمـی دانـد کـه روی چـه موضـوعی بحـث نماید.

اگر باور ندارید به خبری که دوشنبه شب از طریق تلویزیون طلوع به نشر رسید توجه کنید. خبر این بود که امروز به علت نبود اجندای مشخص، جلسات ولسی جرگه بی نتیجه بود.

خوب بود اگر این مسأله را همان شب به لندن مخابره می کردند تا به عنوان یک دستاورد جدید دموکراسی، در جلسهء افتتاحیهء کنفرانس لندن مطرح می شد.

چرا در فلسطین از تجربهء افغانستان استفاده نشد؟

جنبش اسلامی حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین اکثریت کرسی های پارلمان را به دست آورد. اکنون این جنبش باید حکومت جدید را در فلسطین بسازد.

اسرائیل و حامیانش از این نتیجه ابراز نگرانی کرده اند و تأکید دارند که حماس قبل از ساختن حکومت باید سلاح خود را برزمین بگذارد و خلع سلاح یا به قول ما افغان ها دی دی آر شود.

رئیس جمهور کشور ما حامد کرزی هم ضمن ابراز این حقیقت که باید به ارادهء ملت ها احترام گذاشت، به حماس توصیه کرده است که در جهت صلح با اسرائیل گام بردارد.

حیف که سران فلسطین قبل از انتخابات از تجربهء افغانستان استفاده نکردند. اول باید پروسهء دی دی آر عملی می شد و کسانی که مربوط این جنبش بودند، از لیست حذف می شدند. بعدا از کمیسیون مستقل انتخابات ما دعوت به همکاری می شد. اگر آنها اجازه می دادند که کمیسیون مستقل انتخابات ما در فلسطین خدمت کند، مطمئنا نتیجهء کار غیر از این می بود. حتی اگر بعد از جریان انتخابات هم به این کمیسیون اجازه داده می شد تا تجارب خود در افغانستان را در بخش رأی شماری عملی نماید، با چنان تردستی و مهارت نتیجه را معکوس می ساخت که حتی کاندیدا های حماس هم باور می کردند که شکست خورده اند!

به هرحال ضرر را از هر کجا که جلو بگیری منفعت است. اگر در آن مورد از تجربهء افغانستان استفاده نشد، برای تأمین صلح در فلسطین می توان از مشوره و تجارب افغانستان در پروسهء تحکیم صلح و مشورهء رئیس جمهور ما در این مورد استفاده کرد!

از مستهجن تا مستحجن!

تلویزیون افغان به دلیل پخش فیلم های مستحجن پنجاه هزار افغانی جریمهء نقدی شد. این خبر را بعضی از روزنامه های کشور به نشر سپردند.

به فرهنگ های لغات مراجعه کردم تا با دریافت معنی مستحجن، به گناه تلویزیون افغان پی ببرم، مشخص شد که مستحجن از فعل حجن گرفته شده که به معنی خم کردن چیزی و یا چوبی است و مستحجن اسم مفعول آن است. این که کسی چیزی را چنگ یا خم سازد. در فکر شدم که این کار چه رابطه یی با جرم و جریمه دارد؟ تا این که یکی از دوستان با دانش که مدتی است از وزارت اطلاعات و فرهنگ اضافهء بست شده روشنگری فرمود و گفت که منظور ایشان شاید مستهجن باشد! اگر واقعا منظور مستهجن باشد، باید گفت که حتی جریمهء پنجاه هزار افغانی کم است. اما در مورد مستحجن چون معنی آن خم یا چنگ شدن است، تلویزیون افغان حق دارد به مراجع قانونی مراجعه نماید تا مشخص گردد که فیلم مستحجن یعنی چه؟!

نشر یک کاریکاتور توهین آمیز به پیامبر اسلام خشم مسلمانان را برانگیخت

هفتهٔ گذشته مسلمانان در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی در واکنش به نشر کاریکاتور توهین آمیز به پیامبر عظیم الشأن اسلام در یکی از رسانه های دنمارکی و تکرار آن در رسانه های نروژی تظاهرات شدیدی را به راه انداختند. تظاهرات زمانی شدت یافت که ناشر کاریکاتور از کرده اش عذر نخواست. اول تر از همه کشورهای عربستان سعودی و کویت در واکنش به این کار، تحریم کالاهای دنمارکی را اعلام کردند. پس از آن کشور لیبیا اعلامیهٔ مسدود نمودن سفارت دنمارک در این کشور را صادر کرد.

همچنان کشور بحرین از نشر چنین کاریکاتوری در نشریهٔ دنمارکی ابراز تأسف کرد و آن را شدیداً محکوم نمود و از کشور دنمارک خواست که ناشر این کاریکاتور را به عذرخواهی از مسلمانان وادار نماید.

وزیر خارجهٔ سوریه رسماً از کشور دنمارک خواهان سرزنش توهین کنندگان



به ادیان شد و از مسؤولان دنمارکی خواست که از تکرار چنین کاری در آینده جلوگیری شود.

به هر حال، جهان در هفتهٔ جاری شاهد محکوم نمودن نشر کاریکاتور توهین آمیز به مقدسات اسلامی در نشریهٔ دنمارکی از سوی بسیاری از کشورهای اسلامی بود اما افغانستان به عنوان یک کشور اسلامی موقف جداگانه یی داشت چنانچه اظهارات آقای کرزی مبنی بر این که مطبوعات در کشور دنمارک و افغانستان آزاد است و هیچ کسی نمی تواند مطالب منتشر شده در مطبوعات را پیگیری نماید، بیانگر رضایت وی از این امر، می باشد.

رئیس جمهوری افغانستان همچنان گفته است که او از لابلای گفته های نخست وزیر کشور دنمارک دریافته است که ناشر این کاریکاتور کار خلافی را انجام نداده است. دانسته نمی شود که از منظر آقای کرزی چه کاری می تواند خلاف کاری و توهین آمیز تلقی گردد.

باید گفت که فقدان راهبردهای مشترک در جهان اسلام برای رویارویی با این حرکت ها باعث جسور شدن محافل اسلام ستیز در غرب شده است و نباید از کنار حوادثی چون توهین به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به سادگی گذشت و آن را تنها ناشی از اقدامی یک جانبهٔ یک نشریه تلقی کرد.

گفتنی است که پس از تحریم شدن خرید کالاهای دنمارکی، ناشر این کاریکاتور از مسلمانان دیروز عذرخواهی کرد.

قاریزاده

پنج عضو دایم شورای امنیت با ارجاع پروندهٔ ایران به شورای امنیت توافق کردند



به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن، ۵ عضو دایم شورای امنیت سازمان ملل متحد (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلستان) به همراه آلمان به اتفاق آرا از آژانس بین المللی انرژی اتمی خواستند پرونده هسته یی ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد.

در بیانیهٔ مشترکی که در پایان نشست لندن منتشر شده، آمده است آژانس بین المللی انرژی اتمی باید گزارش پروندهٔ هسته یی تهران را برای تصمیمات بعدی، به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد.

اعضای دایم شورای امنیت به همراه آلمان همچنین تصمیم گرفته اند که شورای امنیت سازمان ملل متحد تا ماه مارس آینده به محمد البرداعی، دبیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی فرصت دهد تا گزارش رسمی خود را در بارهٔ برنامه های هسته یی ایران به نشست معمول شورای حکام ارائه نماید و توافق کردند تا آن تاریخ اقدامی به عمل نیاورند.

هند مخالف ارجاع پروندهٔ ایران به شورای امنیت است

یکی از مقامات ارشد هند اعلام کرد، دهلی‌نو در نشست اضطراری روز پنج‌شنبه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ارجاع پروندهٔ هسته یی تهران به شورای امنیت سازمان ملل، رأی ممتنع خواهد داد.

به گزارش روزنامهٔ "هندوستان تایمز"، در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین قرار است دربارهٔ مسألهٔ ارجاع پروندهٔ ایران به شورای امنیت تصمیم‌گیری شود. این مقام ارشد هندی که خواست نامش فاش نشود با اشاره به اظهارات جنجال‌برانگیز "دیوید مولفورد" سفیر آمریکا در دهلی‌نو، تأکید کرد: «ما نمی‌توانیم پس از اظهارات این سفیر به نفع آمریکا رأی دهیم از این رو در نظر داریم رأی ممتنع دهیم.»

مولفورد چندی پیش اعلام کرده بود اگر هند با ایران مخالفت نکند مشکلاتی در قرارداد هسته یی تاریخی میان دهلی‌نو و واشنگتن ایجاد خواهد شد.

واکنش محافل داخلی و بین‌المللی به اظهارات مولفور و متهم شدن دولت "مانموهان سینگ" نخست وزیر هند به تسلیم در برابر آمریکا، باعث شد سفیر واشنگتن پس از آن اعلام کند از سخنان وی سوءبرداشت شده است.

با این حال این مقام هندی افزود: «ما هنوز امیدواریم بحران موجود به رأی گیری ختم نشود و ایران زمان بیشتری برای حل مسائل از طریق گفتگو پیداکند و اگر این گونه نشود سفیر آمریکا کار ما را راحت‌تر کرده است.»

این مقام هندی همچنین از حمایت دهلی‌نو از طرح روسیه برای انجام غنی‌سازی برنامهٔ هسته یی ایران در خاک روسیه خبر داد که چین نیز از آن اعلام حمایت کرده است.

هند با حمایت از قطعنامه ضدایرانی غرب در نشست سپتامبر شورای حکام باعث شگفتی محافل بین‌المللی شده بود. یکی از مقامات وزارت خارجهٔ هند نیز اعلام کرد، رأی ممتنع دهلی نو می‌تواند روند همکاری هسته یی هند را با آمریکا کند سازد.

این مقام گفت: «ما می‌دانیم این رأی مشکلاتی در کنگره آمریکا ایجاد خواهد کرد ولی به نظر می‌رسد چاره یی جز این نداریم.»

از نامه های آمده

در انحرافات اخلاقی جوانان دست های خارجی دخیل است

به دست اندرکاران هفته نامهء وزین مجاهد

السلام علیکم

منحرف ساختن نسل جوان و ترویج فساد اخلاقی در میان هرملتی که صورت بگیرد، جرمی نابخشودنی است. بخصوص در کشور ما که سال های طولانی جنگ و نا به سامانی را پشت سر گذاشته است و وضعیت افغانستان تقاضا می کند ص۵